



انتشارات توس
«۵۰۱»

۲۰۲۱: چاپ دوم، تهران: انتشارات توس

۸۷۲۱: درجه: نایب - روحان کاتبی: چاپ اول، تهران: انتشارات توس و درجه: نایب
(۱۰۵) درجه: نایب (۱۰۵) - درجه: نایب (۱۰۵) - درجه: نایب (۱۰۵)

ISBN 984-312-500-8

لیه: نایب (۱۰۵) - درجه: نایب (۱۰۵) - درجه: نایب (۱۰۵)
درجه: نایب (۱۰۵) - درجه: نایب (۱۰۵) - درجه: نایب (۱۰۵)
درجه: نایب (۱۰۵) - درجه: نایب (۱۰۵) - درجه: نایب (۱۰۵)

صعود و سقوط تیمورتاش

۱۳۸۰/۱۵۵۴

نایب (۱۰۵)

۲۵۲۲۱-۸۷۲

(به روایت اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس)

۷ یادداشت ناشر

۹-۱۸ مقدمه

با مقدمه، تعلیقات، توضیحات، و حواشی

۲۱-۵۵ فصل اول: در اوج اقتدار

۸۷ فصل دوم: کارگزاران سیاست خارجی ایران از

دکتر جواد شیخ الاسلامی

استاد دانشگاه تهران

۱۲ فصل پنجم: الفای امتیاز داری و عزل تیمورتاش

داستان برخورد رضاشاه و قتل زاهد (۱۰۵) - درجه: نایب (۱۰۵) - درجه: نایب (۱۰۵)

داستان ورود ناگهانی رضاشاه، به جلسه عزت دولت و انداختن ۲۰۲۲

بروندت نفت نوری بخاری پرونده نفت نوری بخاری

۲۵ فصل ششم: حقیقت شیدن نفت ایران و حقیقت نفت ایران

فصل هفتم: حقیقت دوم تیمورتاش و حقیقت تیمورتاش

نمایه نمایه

نمایه تصویر نمایه تصویر

ISBN 984-312-500-8

فهرست مطالب

۷	یادداشت ناشر
۹-۱۸	مقدمه
۴۱-۵۵	زندگینامه تیمورتاش از جوانی تا مرگ
۵۷-۸۱	بخش اول - در اوج اقتدار
۸۳-۱۴۸	بخش دوم - کارگردان سیاست خارجی ایران
۱۵۱-۱۸۰	بخش سوم - نماینده تام‌الاختیار پهلوی در مذاکرات نفت
۱۸۱-۲۰۳	بخش چهارم - در سراسیمی سقوط
۲۰۵-۲۷۰	بخش پنجم - الغای امتیاز داری و عزل تیمورتاش
۲۷۱-۲۸۸	داستان برخورد رضاشاه و تقی‌زاده
	داستان ورود ناگهانی رضاشاه، به جلسه هیئت دولت و انداختن
۲۸۹-۳۲۶	پرونده نفت توی بخاری
۳۲۷-۳۵۸	بخش ششم - بسته شدن قرارداد جدید نفت (قرارداد ۱۹۳۳)
۳۶۳-۳۸۹	بخش هفتم - محکومیت دوم تیمورتاش و پایان حزن‌انگیز عمر وی
۳۹۱	نمایه
۴۰۶	نمایه تصویر

مقدمه

اسنادی که ترجمه آنها در بخش اول این کتاب گردآوری شده دورانی از سیاست خارجی ایران را دربرمی‌گیرد که هشت سال تمام یعنی از سال ۱۳۰۴ (تاریخ ارتقاء رضاخان پهلوی به مقام سلطنت و انتصاب تیمورتاش به وزارت دربار) تا سال ۱۳۱۱ (تاریخ سقوط تیمورتاش از مسند قدرت) طول کشید و در عرض این مدت همچنان که وزیرمختار انگلیس در تهران (سررابرت کلایو)^۱ در یکی از گزارشهای خود به وزارت خارجه انگلیس می‌نویسد: «در ایران امروز تصمیم گیرنده حقیقی درباره تمام مسائل مربوط به سیاست خارجی کشور فقط دو نفر هستند: شاه و تیمورتاش. بقیه فقط مجریانی هستند که دستورات و اوامر این دو شخصیت و الا را اجرا می‌کنند.» اسناد و مدارک منتشر شده از طرف وزارت خارجه بریتانیا درباره روابط ایران و انگلیس در این دوره، نه تنها حرف وزیرمختار را تأیید می‌کنند بلکه در بعضی موارد نقش و نفوذ تیمورتاش را حتی بالاتر از رضاشاه نشان می‌دهند.

سالها پیش از اینکه این کتاب نوشته شود خانم ایراندخت تیمورتاش (دختر وزیر دربار فقید) برای من نقل می‌کرد که رضاشاه پهلوی در بدو سلطنتش، پس از برگزیدن تیمورتاش به مقام وزارت دربار، به او گفته بود: از امروز به بعد ما دو نفر ایران را اداره خواهیم کرد. کارهای نظامی‌اش با من و کارهای سیاسی‌اش با تو. یک نگاه اجمالی به تاریخ سیاست خارجی ایران در این دوره، صحّت نقل قول بالا را به طور کامل و محرز

1- Sir Robert Clive

نشان می‌دهد. در عرض سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ متجاوز از چهل فقره مذاکره مهم میان تیمورتاش و سر رابرت کلایو صورت گرفته که خود رکوردی است در روابط ایران و انگلیس. وزیر مختار در یکی از گزارشهای محرمانه‌اش به لندن اظهار نظر می‌کند که:

«شاه جدید ایران (پهلوی) تصمیم دارد کشورش را کاملاً مستقل و خودکفا سازد و در تمام اعمال و اقداماتی که برای رسیدن به این هدف انجام می‌دهد از تیمورتاش الهام می‌گیرد.»^۱

رضاشاه مردی بود که از سن پانزده سالگی وارد لشکر قزاق ایران شده بود و این لشکر را در آن تاریخ افسران روسیه تزاری اداره می‌کردند. در این سازمان مقتدر نظامی فقط انضباط و قلدری مورد نظر بود و گر نه داشتن سواد و تحصیلات نظامی، لااقل برای افسران ایرانی، چندان ضرورتی نداشت. خود رضاشاه همچنانکه مورخان این دوره نوشته‌اند (و محمدرضا شاه در کتاب «مأموریت برای وطنم» نوشته آنها را تأیید کرده است) فقط بعد از کودتای سوم اسفند و رسیدن به مقام وزارت جنگ، خواندن و نوشتن را، در حدی که ساعات فراغتش اجازه می‌داد، زیر نظر معلم خصوصی فراگرفت ولی اغراق نیست اگر بگوئیم که در عرصه سیاست خارجی تقریباً تا آخر سلطنتش بیسواد ماند. مطالبی که از قول قوام‌الدوله (شکرالله صدری) در یکی از اسناد جالب این دوره نقل شده است حقیقت را کم و بیش بیان می‌کند.

در ملاقاتی که میان وی و سر رابرت کلایو در تهران صورت گرفته، وزیر مختار از مهمان خود که با وصف گزافه گوئی‌اش مردی مطلع و آشنا به سوابق رجال ایران بوده علت نفوذ و قدرت تیمورتاش را در دستگاه حکومت پهلوی سؤال می‌کند:

«... از قوام‌الدوله پرسیدم به عقیده او تیمورتاش تا کی قادر به حفظ موقعیت

کنونی‌اش خواهد بود و اصولاً این نفوذ عجیبی را که در شاه پیدا کرده به چه مدیون است؟»

قوام‌الدوله جواب داد که نفوذ فوق‌العاده تیمورتاش در پهلوی در درجه اول ناشی از این حقیقت است که وی موقعی که در کابینه رضاخان سردار سپه وزیر فواید عامه بود

۱- زیر نویس شماره ۴۳۲ در جلد هفتم اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا (سری ۱۸)

یکی از نخستین کسانی بود که نخست وزیر را به تملک تاج و تخت تشویق کرد و شاید بیش از تمام اطرافیان سردار سپه در راه تحقق بخشیدن به این منظور کوشش به خرج داد. رضاخان هم موقعی که به سلطنت رسید به پاس قدردانی از زحمات تیمور او را به مقام وزارت دربار منصوب کرد. در رأس چنین مقامی او (تیمورتاش) از همان روز نخست یار و یاور شاه جدید - که از سطحی پائین به مقامی چنین والا رسیده بود - به‌شمار می‌رفت.

«رضاشاه موقعی که به سلطنت رسید آداب و رسوم شهریاری را خوب بلد نبود

و موقعی که رجال و صنایع کشور را که از حیث تبار و شئون اجتماعی بالاتر از او

بودند به حضور می‌پذیرفت در حضور آنان همیشه احساس ضعف و درماندگی

می‌کرد. در این گونه موارد تیمورتاش با آن زرنگی خاص، سرعت انتقال و

طلاقت فطری بیان که داشت آنرا به داد سرور تاجدارش می‌رسید و او را از آن

وضع درماندگی، بی‌آنکه حاضران متوجه شوند، نجات می‌داد. این شیوه

کمک‌رسانی نامرئی، و تدبیری که برای تسهیل مکالمه شاه بکار می‌برد، چنان مؤثر

و مشکل‌گشا بود که شاه هنوز هم که هنوز است باطناً هرگز مایل نیست بی‌حضور

تیمورتاش کسی از رجال داخلی و خارجی را به حضور بپذیرد. وزیر دربار نه تنها از

این موهبت خدادادی برخوردار است که می‌داند چگونه و با چه شیوه‌ای که

دیگران ملتفت نشوند کلمات و عباراتی را که سرور تاجدارش در مکالمه با رجال

و شخصیت‌های عالی‌قدر لازم دارد به او تلقین کند بلکه در مواردی هم که شاه در

دادن جواب سئوالی فرومی‌ماند تیمورتاش همیشه، در قبال هر سئوالی، جوابی

مناسب آماده دارد که با دادن آن می‌تواند شاه را از مخمصه تکلم نجات

بخشد...»^۱

در سندی دیگر که تاریخ آن چهار روز قبل از تاریخ گزارش بالاست، وزیر مختار

جریان شرفیابی خود را به حضور رضاشاه برای مذاکره در پیرامون مسائل مورد اختلاف

۱- اسناد وزارت خارجه بریتانیا (جلد هفتم) - گزارش محرمانه سر رابرت کلایو وزیر مختار انگلیس در تهران به سرلنسلوت آلفنت (مدیر کل بخش خاوری وزارت خارجه انگلیس). (نهم فوریه